واکنش پنجم

نوای سه تار قشقایی محصور دیوارهای بیمارستان

■ تهمینه بهرامعلیان ■

پسرک ۸ سال بیشتر نداشت. به تازگی سیاه چادری در میان ایل قشقایی برپا شده بود. داوود خان نکیسا سه تار می آموخت به خوانین و عاشقان موسیقی.

الیاس برادر بزرگ تر که ۱۸ سالش تمام شده بود سه تاری خریده بود و شاگردی می کرد نزد استاد.

پسرک پنهان از چشم بقیه در گوشه‌ای از چادر می ایستاد و به انگشتان داوودخان خیره می شد، گویی تمام نواها و آواها را در ذهنش ثبت می کرد.

دو ماهی از حضور استاد در میان ایل قشقایی گذشت و سرانجام قرعه برگزاری کلاس به خانه پسرک افتاد. داوودخان شاگردها را ردیف کرد تا مشقی کنند پس از دو ماه تمرین. صدای ساز هیچ کدام، داوودخان را راضی نکرد. مادر که گوشه‌ای نظاره گر بود، گفت: «داوودخان اجازه دهید حبیب، ساز بزند.» نگاه‌ها به سمت پسرک برگشت. داوودخان با خود فکر می کرد که این پسر را حتی یک روز هم آموزش نداده است. سه تار در دست پسرک جای گرفت و وقتی زخمه بر سیم‌های سه تار نواخت، نوای موسیقی فضای دشت را پر کرد. لبخند رضایت بر لب داوودخان، نشان از شاگردی می داد که به حق، تلاش استاد را پاسخ گفته بود.

الیاس نزدیک برادر کوچک شد، سازش را به او داد و گفت: «این ساز از آن توست.» و پس از آن دیگر ساز نزد. از آن سال‌های دور ۸۸ سال می گذرد. سپیدی زمان بر موهای پسرک نشسته و دستانش از رنج بیماری ناتوان شده است.

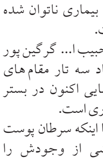

حبیب ا... گرگین پور استاد سه تار مقام‌های قشقایی اکنون در بستر بیماری است.

با اینکه سرطان پوست بخشی از وجودش را احاطه کرده اما هنوز بارقه‌ای از امید در چشمانش موج می زند. بیمارستان الزهرای اصفهان هر روز شاهد حضور طرفدارانی است که از دور و نزدیک برای دیدار استاد می آیند.حبیب ا... گرگین پور تنها بازمانده شاگردان داوودخان نکیسا، تنها استاد سه تار نیست بلکه پدری است که ۴ فرزند نابینای خود را به درجه استادی رسانده است.فرود، تحصیل کرده رشته ادبیات و موسیقی، آهنگساز و یکی از بهترین شاگردان استاد بدیعی و بهاری، نوازنده کمانچه، ویولن و پیانو و صاحب مقام اولی تکنوازی کمانچه در ۲ سال پیاپی در جشنواره موسیقی فجر؛ پریچهر، مدرس ادبیات در آباده، فرهاد نوازنده آکاردئون و دارای درجه دکتری ادبیات و مصطفی تحصیلکرده موسیقی و ادبیات و نوازنده تار و سه تار، ۴ فرزند نابینا از ۸ فرزند حبیب ا... گرگین پور هستند.همچنین ۴ فرزند دیگر استاد نیز هرکدام در رشته‌ای فارغ‌التحصیل شده و به سمت استادی و نوازندگی مشغول هستند.حبیب ا... که هر روز از خاطرات ایل یاد می کند، می گوید: «وقتی پرنده‌ها را می بینم که از سیبری به سمت خلیج فارس پرواز می کنند به یاد کوچ خودمان می افتم. آن روزها مثل آهوها و پرنده ها، ییلاق و قشلاق می کردیم.اول پاییز نزدیکی لار ساکن بودیم و به مجرد فرا رسیدن بهار، بار و بنه مان را جمع می کردیم و به سمت آباده راه می افتادیم. اواخر خردادماه نزدیک کوه دنا، سیاه چادرهایمان را برپا می کردیم.»استاد سه تار قشقایی از زندگی عشایری که در زمان پهلوی به اجبار شروع به انحلال کرد به عنوان بهترین روزهای زندگی اش یاد می کند و می افزاید: «بخشی از فرهنگ قشقایی با تمام شدن کوچ نشینی از بین رفت و هم اکنون بسیاری از قشقایی ها در شهرها به کارگری می پردازند. قشقایی تجزیه شده و تنها نامی از آن باقی مانده است.»گذر سال‌ها و رنج بیماری آن قدر مجال نمی دهد تا بیشتر از استاد بدانیم. تنها امیدواریم که سلامت به تن و روحش بازگردد تا شاگردهای او از تهران، اصفهان، آباده و... باز هم شاگردی کنند و صدای ساز استاد را بشنوند.

روزانه

موسیقی: کارگاه تخصصی تار و سه تار داریوش طلایی در مجموعه فرهنگی آسمان برگزار می شود. وی در نشست روز شنبه ۱۲ خرداد از ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه به سوالات گوناگون درباره این نشست پاسخ می دهد.

تئاتر: جشنواره تئاتر فجر، ۶۰۰ میلیون بودجه می خواهد. به دلیل عدم آمادگی گروه اجرایی نمایش «عشقه» در نامه‌ای خطاب به شورای گزینش متون تئاتر شهر درخواست شد، اجرای نمایش به زمان دیگری موکول شود و شورا نیز در نامه‌ای اظهار امیدواری کرد: این اجرا در زمان دیگری انجام شود.

سینما: سیامک شایقی در حال نگارش فیلمنامه «طرف ما شب نیست» است و صحبت هایی با فارابی و سیمافیلم برای مشارکت در ساخت آن داشته که تا هفته آینده وضعیت آن مشخص می شود.

■ یک روز پس از آنکه اعلام شد «دزدان دریایی کارائیب ۳» والت دیسنی در شش روز اول اکران در جهان ۴۰۴ میلیون دلار فروخته، استودیوی سونی که از اوایل ماه «اسپایدرمن ۳» را در سینماها به نمایش درآورده نسبت به آمار ارائه شده ابراز تردید کرد.

■ «جنگل سوگوار» که در جشنواره کن امسال برنده جایزه بزرگ هیات داوران شد، پنج روز پیش از اکران در سینماهای ژاپن از شبکه تلویزیونی NHK پخش شد.

گزارش داور ایرانی جشنواره کن

غیبت سینمای ایران پیچیده نیست

■ نیکی کریمی ■

نیکی کریمی داور ایرانی کن در حلقه عکاسان ● عکس: کوربیس

امسال جشنواره کن به‌رغم تمام حسرت هایش برای ایرانی ها حاوی اخبار مهمی از حضور نیکی کریمی (کارگردان و بازیگر سینمای ایران) در میان هیات داوران این جشنواره بود. کریمی که سال گذشته هم در جشنواره برلین به داوری پرداخته بود، در کنار دومینیک مال از فرانسه، دبورا نادلمن لاندیس از آمریکا و جین ماری گوستاو لوکلوزیو از فرانسه، به داوری بخش فیلم های کوتاه و سینه فونداسیون این رقابت مهم پرداخت. هیات داوران این بخش رقابتی که در سال ۱۹۹۸ توسط ژیل ژاکوب و پیر ویوت به منظور کشف نسل جدید فیلمسازان تاسیس شده، در نهایت فیلم «حالا همه خوشبخت به نظر می رسند» ساخته گونزالو توبلا را به عنوان برنده جایزه اول بخش فیلم های کوتاه معرفی کردند. نیکی کریمی در بازگشت به ایران در گفت‌وگو با اعتماد ملی از داوری خود در جشنواره امسال، وضعیت کلی داوری‌ها و عدم حضور سینمای ایران در کن گفت. در ادامه روایت نیکی کریمی را از شصتمین جشنواره کن می خوانید.

***

منصفانه قضاوت کردیم

امسال در مجموع فیلم‌های زیادی در بخش فیلم‌های کوتاه و سینه فونداسیون به جشنواره ارسال شد. می توانم بگویم که تنها در بخش فیلم های کوتاه هزاران فیلم به جشنواره رسید. ارزیابی شخصی من این است که تلاش کردیم منصفانه قضاوت کنیم. کسی به ما نگفت این کار یا آن کار را بکنیم. در بخش سینه فونداسیون، ما هم فیلم‌های کوتاه داشتیم و هم فیلم‌های بلند و این صحبت صحیح نیست که در این بخش تنها فیلم‌های کوتاه حضور دارند. به فیلم‌های کوتاه یک جایزه دادیم و به بخش سینه فونداسیون هم ۳ جایزه تعلق گرفت. در این بخش از فیلم‌های ۳، ۴ دقیقه‌ای تا فیلم‌های ۲۵ دقیقه‌ای حضور داشتند و واقعا کیفیت فیلم‌ها خوب بود. آخرین نشست داوری‌مان خیلی طول کشید؛ به طوری که ۳ ساعت روی بررسی فیلم‌های سینه فونداسیون و ۳ ساعت روی فیلم‌های کوتاه وقت گذاشتیم؛ با این حال دست آخر فیلمی را انتخاب کردیم که همگی دوست داشتیم.

شب اختتامیه و صحبت‌های دیگر داوران

در شب اختتامیه با استفان فریرز و مارکو بلوچیو صحبت می کردم، همگی متفق بودند که کارشان در جشنواره امسال واقعا سخت بوده است. می گفتند فیلم‌ها واقعا خوب بود و به جهت کیفیت بالای فیلم‌ها همگی دردسر داشتیم که چطور جایزه بدهیم! سر اینکه فیلم کوئن‌ها انتخاب شود یا فیلم مونگیو هم کلی بحث کردیم. دیداری با اورهان پاموک داشتم و او هم نگاهی مثبت به فیلم‌ها داشت و بیش از حد خوشحال بود.

در کل داوران امسال کن معتقد بودند فیلمسازان مهمی به جشنواره آمده‌اند و سطح کلی سینمای دنیا رشد قابل توجهی کرده است. اعتقادم بر این است اگر فیلمی آن قدر خوب بود که می توانست در بخش مسابقه پذیرفته شود، حتما از طرف انتخاب کننده جشنواره پذیرفته می شد.

عدم حضور ایران خیلی پیچیده نیست

ارزیابی کلی من از عدم حضور سینمای ایران در کن این است که این مساله خیلی هم پیچیده نیست.

در نشستی هم که در کن با برنامه ریز و انتخاب کننده این جشنواره داشتم با هم روی این موضوع صحبت کردیم که برایم خیلی پذیرفتنی بود. او می گفت حتی گاهی پیش می آید که سینمای کشوری مثل آلمان هر چند وقت یک بار فیلمی در کن دارد؛ البته معتقدم وقتی جوی وجود داشته باشد که سانسور اعمال شود و هنرمند نتواند فیلمی را که می خواهد بسازد یا آنچه را که از تفکرش می گذرد بنویسد، سینما رشد نمی کند.

همان طور که در جشنواره امسال دیده می شد، تمام فیلم‌های این جشنواره حاصل جسارت سازندگانشان بودند بدون وجود سانسور و خودسانسوری.

بازار کن

هر سال در جشنواره کن بازاری برپا می شود و هر کشوری در این بازار غرفه می گذارد و فیلم‌های ساخته شده خود را در قالب دی وی دی عرضه می کند. مزیت این بازار آن است که پخش کنندگان مهم فیلم حضور دارند و فیلم‌های مورد علاقه خود را برای فستیوال هایشان انتخاب می کنند.

به هر حال تمام فیلم‌ها هر سال به این بازار راه پیدا می کنند و برپایی چتر سینمای ایران در این بازار هم حتما چیز خوبی است.

بیانیه‌ای علیه قاچاق فیلم

اعتماد ملی: این روزها هر روز خبری در مورد قاچاق فیلم‌ها می رسد. این بار تعدادی از اهالی سینما در یکی از برنامه‌ها و نشست‌های خود بیانیه‌ای علیه قاچاق داده‌اند. در این بیانیه جمعی از تهیه کنندگان، کارگردانان، توزیع کنندگان، سینماداران و ستاد هماهنگی مبارزه با تکثیر و توزیع غیرمجاز محصولات سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مشترک نسبت به مبارزه با توزیع غیرمجاز آثار سینمایی مواردی را مطرح کردند. متن بیانیه به شرح زیر است: «اکنون که با تهیه، تکثیر و توزیع غیرمجاز سی دی فیلم‌های سینمای ایران، دیگر بار نقاب از مناسبات سیاه مافیای قاچاق و دلالی در آثار سینمای ایران برداشته شده و دست‌های پنهان تخریب و تهدید کیان سینما و بضاعت‌های مالی تهیه کنندگان فعال این عرصه را بی رحمانه و قانون شکنانه نشانه رفته‌اند، بر آن هستیم تا صدای اعتراض عمیق، جدی و جمعی خود را نسبت به روند غیرقانونی و فاجعه‌بار کپی کردن فیلم‌های سینمایی - که تیشه‌وار و پی درپی بر پیکر نحیف اقتصاد سینمای این مرز و بوم وارد می شود - به گوش دولتمردان ذیربط و صاحب اراده و مسوولیت در این زمینه برسانیم.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «شاید قبل از آنکه شاهد نابودی کامل سینمای کشورمان باشیم، اقدامی عاجل از طرف مسوولان کشور صورت پذیرد. بر همین اساس تقاضای خود را به شرح ذیل اعلام می داریم:

۱- اختصاص اعتبار لازم به منظور نظارت و کنترل شبکه قاچاق محصولات سمعی و بصری به معاونت سینمایی

۲- تغییر قانون نحوه مجازات اشخاصی که به رایت غیرمجاز اقدام می کنند و برخورد قاطع و بازدارنده با فعالان این شبکه

۳- برخورد جدی دستگاه قضایی با متخلفین و احقاق حق زیان دیدگان این عرصه اعم از صاحبان فیلم، صاحبان سالن‌های نمایش و موسسات ویدئو رسانه

۴- ریشه یابی از طرف دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و شناسایی شبکه قاچاق و برخورد با متخلفان اصلی این جریان»

۸ فیلم تکراری و غیر تکراری در آخر هفته

آخر این هفته قرار است تعدادی از فیلم‌های تکراری در ۵ شبکه سیما به نمایش درآید. ۸ فیلم سینمایی «پریشانی»، «شعله‌ای برافروز»، «در دل تاریکی»، «بازی مرگ»، «به آهستگی» و «در دو سوی خطر»، «خداحافظ رفیق» و «صبح روزی که متولد شدم» برای پخش از شبکه‌های مختلف سیما انتخاب شده است.

شبکه اول سیما فیلم سینمایی «پریشانی» را پنجشنبه ساعت ۲۲ و در قالب برنامه سینما یک پخش می کند. این فیلم آمریکایی را پل شریدر در سال ۱۹۹۷ کارگردانی کرده است. داستان فیلم «پریشانی» درباره کلانتر یک شهر کوچک در شمال آمریکاست که در زندگی احساس یکنواختی می کند؛ روزی دوست او تاجر ثروتمندی را برای شکار به جنگل می برد اما بدون او باز می گردد و مدعی می شود که وی به خاطر اشتباه خودش کشته شده است. کلانتر تصمیم می گیرد در این زمینه دست به تحقیق بزند.

فیلم تلویزیونی «در دل تاریکی» نیز به کارگردانی فرزاد اژدری و با بازی جلیل فرجاد، عبدالرضا اکبری و کاظم افرندنیا جمعه ۱۱ خرداد ماه ساعت ۱۶ از شبکه اول سیما پخش می شود. این فیلم درباره یک افسر نیروی انتظامی است که فرزند خود را در توطئه‌ای از سوی خلافکاران از دست داده و اکنون در خستگی روحی و روانی با پرونده قتل جوانی که به طور مشکوک کشته است روبه رو است؛ وی با کمک یکی دیگر از افسران پلیس موفق می شود راز این جنایت را برملا سازد.

فیلم سینمایی «خداحافظ رفیق» پنجشنبه ساعت ۱۴/۱۵ دقیقه از شبکه دو سیما پخش می شود. این فیلم به کارگردانی و نویسندگی بهزاد بهزادپور پیش از این هم بارها از سیما پخش شده است. مسلم پس از آموختن رسم عاشقی فراقش به وصال می انجامد.

فیلم سینمایی «شعله‌ای برافروز» پنجشنبه ساعت ۲۰/۳۰ دقیقه از شبکه سه سیما پخش می شود. این فیلم به کارگردانی فیلیپ نویس محصول سال ۲۰۰۶ آمریکا است و به چگونگی استعمار مردم آفریقای جنوبی قبل از پیروزی نلسون ماندلا می پردازد.

شبکه سه سیما فیلم سینمایی «بازی مرگ» را نیز جمعه ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه پخش می کند. داستان فیلم درباره بازی مرگباری است که با خشونت و بی رحمی اجرا می شود و بازیگران آن زندانیان محکوم به مرگ هستند که به وسیله اجراکنندگان بازی وارد برهه‌ای از زمان شده و مجبور به دفاع از جان خود هستند. طبق قانون در بازی اگر زندانی شکست بخورد کشته خواهد شد. فیلم سینمایی «به آهستگی» محصول سال ۱۳۸۴ و به کارگردانی مازیار میری جمعه (۱۱ خردادماه) از برنامه «سینما ۴» پخش خواهد شد.

شبکه ۵ برای روز جمعه ساعت ۱۳/۳۰ دقیقه فیلم سینمایی «در دو سوی خطر» محصول سال ۲۰۰۲ آمریکا را پخش می کند. داستان فیلم درباره جک کانینگهام پلیس اسبق است که در پی کشف معامله قاچاق بین گروه قاچاقچیان و پلیس‌های فاسد، مجروح می شود؛ تری و دوستش به طور اتفاقی او را می یابند و در ابتدا به او بدگمان می شوند. همچنین از این شبکه قرار است فیلم تلویزیونی «صبح روزی که متولد شدم» چهارشنبه ساعت ۲۲/۳۰ پخش می شود.

جزئیات کنسرت لطفی

اعتماد ملی: در حالی که بیش از یک ماه به برگزاری کنسرت محمدرضا لطفی مانده است، جزئیات برگزاری آن به همراه نحوه تهیه و فروش بلیت اعلام شده است. قرار است بلیت‌های این کنسرت با قیمت‌های بالای ۲۰ هزار تومان از ۲۶ خرداد در ۹ مرکز به مدت ۱۰ روز پیش فروش شود. محمدرضا لطفی این بار در کنسرتی که قرار است سرانجام برگزار شود به بداهه نوازی خواهد پرداخت و در این کنسرت او را محمد قوی حلم همراهی خواهد کرد. این کنسرت در فضای باز کاخ نیاوران در روزهای ۱۴ تا ۱۶ تیرماه برگزار می شود.

هرچند زمان ۱۰ روزه برای فروش این بلیت‌ها در نظر گرفته شده است، به نظر می رسد علاقه مندان صدای تار این استاد مسلم موسیقی ایران در فرصت کوتاهی بهای بالای این بلیت‌ها را پرداخت می کنند تا بتوانند به طور زنده شاهد اجرای این بداهه نوازی باشند. قرار است بلیت‌ها در سه قیمت ۲۰ هزار، ۲۵ هزار و ۳۰ هزار تومان فروخته شوند.

همچنین مراکزی چون موسسه فرهنگی -هنری آوای شیدا، فروشگاه کتاب خانه هنرمندان، خانه کتاب شهر آرا، فروشگاه سیاه و سفید، فروشگاه دارینوش، نشر چشمه، شهر کتاب ونک (کار و تجارت)، گیشه کاخ نیاوران و انجمن موسیقیدانان نیاوران به عنوان محل فروش بلیت‌های کنسرت لطفی انتخاب شده‌اند. کنسرت لطفی فقط توسط موسسه آوای شیدا ضبط صوتی و تصویری می شود و در صورت لزوم انحصارا توسط این شرکت منتشر خواهد شد. لطفی در کنفرانس مطبوعاتی خود تاکید داشت که قبل از اجرای این کنسرت به شمال می رود و تمرینات خود را در محیطی خلوت ادامه می دهد. او همچنین عنوان کرده بود که می خواهد این کنسرت به صورت زنده از تلویزیون یا رادیو پخش شود، اما این امکان پذیر نشد. در عین حال افزایش ۲ تا ۳ برابر قیمت بلیت‌های این کنسرت قابل توجه است؛ هرچند نوای ساز استاد لطفی برای همه خاطره انگیز است.

پیشخوان

دوئل و زندگی

ابراهیم رها نام آشنایی در مطبوعات ایران دارد. اما آن کس که پشت این نام قرار گرفته کارهای متفاوت و به یادماندنی انجام داده است. او گفت‌وگوها و طنزهای جذابی می نویسد.

او این بار تعدادی از گفت‌وگوهایش را در کنار هم در کتابی با نام «دوئل» چاپ کرده است، مجموعه‌ای از نام‌های بزرگ که با آنها مصاحبه‌ای کاملا طنز انجام شده است. هرچند او یادش نمی آید فکر این گفت‌وگوهای کاملا طنز از کجا به ذهنش رسیده است، اما به یادش مانده که اولین گفت‌وگویش با نیکی کریمی بوده و آن نشریه توقیف شده است. البته او این مصاحبه‌ها را کمابیش در نشریات دیگر ادامه می دهد. پس از مدتی نام دوئل را بر این مصاحبه هایش می گذارد و از اهالی طنز شروع می کند؛ عمران صلاحی، نیک آهنگ کوثر، ابراهیم نبوی و توکا و مانا نیستانی. بعد این روند ادامه پیدا می کند تا دوباره به نیکی کریمی و گفت‌وگو با او می رسد. در این بین او با ابراهیم افشار طنزپرداز، کسری نوری روزنامه نگار، هادی ساعی تکواندوکار و جواد رضویان بازیگر نیز گفت‌وگو می کند. کل این گفت‌وگوها طنز است و خواندن آنها در این کتاب مانند متن گفت‌وگو غافلگیرکننده است. گرافیک کتاب به شکلی است که مخاطب برای پیدا کردن جواب یک سوال، گوشه و کنار صفحه را باید بگردد. گاهی یک کلمه تمام یک صفحه را می گیرد و گاه یک جواب در یک صفحه است. خواندن این کتاب می تواند خواننده را با چهره‌های شاخص و دیدگاه‌های آنان در زمینه‌های گوناگون ورزشی، احساسی و اجتماعی آشنا کند. جملات و کلماتی که گاه بزرگ می شوند و سوالات اکثراً غیرمتداول، همه از ویژگی‌های این کتاب است. تصویرگری «بزرگمهر حسین پور» نیز بر جذابیت‌های کتاب افزوده است. در عین حال «پوریا عالمی» هم گرافیک ویژه آن را طراحی کرده است. این کتاب با قیمت ۲۸۰۰ تومان عرضه و منتشر شده است.

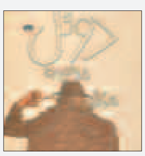

«پائولو کوئلیو» نویسنده‌ای است که تعداد زیادی از داستان‌ها و نوشته هایش در ایران به چاپ رسیده است. «زندگی» نام کتابی است که مجموعه‌ای از گزین گویه‌های این نویسنده در آن جمع آوری شده است. «مارسیا بوتهلو» این نکته‌ها را جمع آوری کرده و «آن کریستین هاگسانر» تصویرگری آن را انجام داده است.

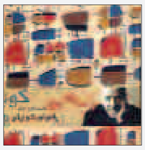

در این کتاب که با ترجمه «سمیه پیلوار» منتشر شده، در بخش‌های گوناگون مانند رویا، مسیر، عشق، اقبال، شعر، سرنوشت، نبرد نیک و راز با دیدگاه‌ها و اندیشه کوئلیو آشنا می شویم. هر جمله‌ای که در کتاب آورده شده، همراه با نام کتابی است که جمله از آن برداشته شده است.

تازه ها

یاد اسپهبد در گالری سیحون

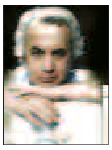

اعتماد ملی: گالری سیحون از فردا به مدت سه روز نمایشگاهی از آثار زنده یاد اسپهبد را برپا می کند. این نمایشگاه که عنوان آن «به یاد علیرضا اسپهبد» است، دربردارنده شماری از نقاشی‌های این نقاش درگذشته است.

علیرضا اسپهبد آذرماه سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. او از کودکی ذوق نقاشی داشت، در ۱۷ سالگی وارد هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران شد. اسپهبد در سال ۱۳۵۷ در رشته نقاشی با درجه فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شد. او از سال ۱۳۵۴ نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی زیاد در ایران و کشورهایی چون انگلستان، سوئیس و ... برپا کرد. اسپهبد صبح روز شنبه پنجم اسفندماه ۱۳۸۵ به علت عارضه قلبی در راه انتقال به بیمارستان درگذشت. او نقاش رازها لقب گرفته است. گفتنی است علاقه مندان برای بازدید از آثار این نقاش می توانند ساعت ۱۶ فردا به گالری سیحون واقع در خیابان خالد اسلامبولی (وزرا) کوچه چهارم شماره ۳۰ مراجعه کنند.

«گلزار» عامل ساخته نشدن فیلم «بیضایی» نبود

فارس: حمید اعتباریان ضمن رد شایعات مربوط به مشکل بهرام بیضایی با محمدرضا گلزار گفت:

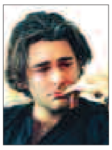

«متاسفانه براساس پیش بینی ها زمان فیلم لبه پرتگاه بیش از سه ساعت می شد و ما ناچار به توقف ساخت این فیلم شدیم.» حمید اعتباریان برای نخستین بار دلایل توقف پروژه «لبه پرتگاه» بیضایی را تشریح کرد و ضمن رد شایعات موجود پیرامون توقف این پروژه متذکر شد: «هیچ مشکلی بین من و بهرام بیضایی و سایر عوامل تولید فیلم وجود نداشته است.»

اعتباریان در مورد مشکلاتی که باعث توقف «لبه پرتگاه» شد، گفت: «مساله از جایی شروع شد که در اولین روخوانی دستجمعی که با حضور بیش از ۷۰ بازیگر و بهرام بیضایی در یک سالن انجام شد، پس از اینکه بهرام بیضایی فیلمنامه را خواند و زمان گیری هم انجام شد، اولین زمان به دست آمده برای نسخه نهایی فیلم بالای ۲۰۰ دقیقه بود و از اینجا بود که بحث طولانی بودن فیلم پیش آمد.» وی افزود: «ما حتی برای رفع این مشکل، زمان فیلم را که در قرارداد ۱۱۰ دقیقه اعلام شده بود، به ۱۳۵ دقیقه افزایش دادیم و چند بار توسط افراد مختلف و با حضور بهرام بیضایی، زمان گیری مجدد انجام شد که متاسفانه، تمام زمان گیری ها، بین ۱۷۰ تا ۱۹۰ دقیقه بود. این در حالی است که امکانات و بضاعت نمایش در سینمای ایران، در حدی نیست که بتواند امکان نمایش مناسب و معقولی برای یک فیلم بلند ایجاد کند.» این تهیه کننده افزود: «حتی آقای بیضایی چندین بار به فیلمنامه مراجعت کرد تا در صورت امکان بتواند زمان آن را کوتاه کند اما سرانجام ایشان اعلام کرد که می تواند حداکثر سه دقیقه از فیلم را کوتاه کند و بنابراین، برخلاف میل باطنی مجبور به توقف تولید فیلم شدیم.» اعتباریان با اشاره به شایعه منتشره در رسانه‌ها که مشکل محمدرضا گلزار با بهرام بیضایی را عامل توقف تولید «لبه پرتگاه» قلمداد کرده، گفت: «چنین چیزی صحت ندارد. در زمان تمرین‌های انجام شده محمدرضا گلزار کسالت داشت و نتوانست در تمرین‌ها حضور داشته باشد اما این موضوع، باعث فسخ قرارداد ما نشد و تنها دلیلی که در این میان مهم بود، همان مساله زمان بود که به آن اشاره کردم.»

اعتراض «بیتا فرهی» به عدم حذف یک سکانس از «پارک وی»

فارس: اعتراض «بیتا فرهی» در قالب آگهی ترحیم یک روزنامه، به دلیل اختلاف نظر او با فریدون جیرانی در خصوص حذف یک صحنه از فیلم «پارک وی» بوده است. بیتا فرهی دیروز در یک روزنامه، در یک آگهی عجیب با عنوان «مرگ بیتا فرهی» نوشته بود: «من بیتا فرهی، مرگ هنری مظلومانه و ناعادلانه‌ام را که به وسیله دست اندرکاران و سازنده فیلم «پارک وی» صورت گرفت؛ اعلام می کنم. مرگی که می توانست خنده مخاطب را به همراه نداشته باشد.» او در این متن افزوده بود: «اعتراض و مرگ هنری‌ام را باور داشته باشید و امیدوارم این نوشته کوتاه، استنباط دیگری را در ذهن مخاطب ایجاد نکند. هوشمندی و دانستگی را برای بازماندگان فیلم آرزو می کنم.» در پی انتشار این متن، علی سرتیپی پخش کننده «پارک وی» به فارس گفت: «ظاهرا خانم فرهی از سکانسی که به شکل جنازه روی صندلی نشسته بوده، ناراضی بوده و از فریدون جیرانی کارگردان فیلم خواسته تا این صحنه را حذف کند اما او زیر بار نرفته است.»

شماره تماس سرویس ادب و هنر
۸۸۳۲۲۹۱۴